دوستان عزیز! شعر ذیل را سال گذشته در چنین ایامی سروده و به نشر سپرده بودم، اینک خواستم یک باردیگر آن را به شما عزیزان پیشکش نمایم.

فقیرمحمد ودان

بادهومبورگ

15 سپتمبر 2013

به مناسبت هفدهمین سالروز حماسهٔ

شهادت دوکتور نجیب الله□

اهدأ به سازمان جوانان راه

شهید دوکتور نجیب الله:

عشق بی ریا

دوش پیر پارسا

با جامهٔ سپید

با قامت رسا

عصا بدست

کچکول پر ز دانهٔ زیتون

در دُور، دُور شهر

در قلب صحرا

در دشت پر ز خار و ز سنگریزه های کوه

در جستجوی او

بیخود ز خویشتن و فراتر ز حال خویش

در محضر خدا

در پرس و پوی مظهر از عشق بی ریا

با صد هزار پرسشی ز خود:

هست؟

چیست؟

کیست؟

در کجاست؟

****

پیر پارسا

ناگاه بدید ز دُور

زوار دَورِ مرقدِ انباشته ز خاک

بیرق فرازِ او نشانِ حسابِ پاک

فریاد بر کشید:

جوانان پاسدار!

پروانه های نور!

این گور، گور کیست؟

و□

پروانه ها ز چیست؟

زانسو ندایی خاست

محکم و استوار:

این تربتیست ز مرد خدا؛

شهریار صلح

نادی مِهر و آشتی

سالار عشق و دوستی

او بود که راه کشید:

از صخره های سنگ

از خارزار دشت

از شرار جنگ

از موج های خون

از غریو بم

از شعله های خشم

بیرق بدست و با سرود آشتی

با شعار صلح بر زبان

با ندای صلح برای تو

برای او

برای من

برای مان

برای مادر وطن: افغان ستان

****

دردا و حسرتا که دشمنان صلح

پاسبانان جنگ

حامیان جهل و زور

هادیان لشکر ترور

او را چو منصور

با لفظ حق، حق بر زبان

با گردن فراشته

با عزم بی خلل

بردند سوی دار

****

این گور، گور اوست

گور حبیب ما

گور «طبیب» ما

گور «نجیب» ما

بیرق فراز او

الهام دهد به ما

ما رهروان او

ما نسل «نو» از تبار صلح

ما راهیان صلح

ما دشمنان جنگ

ما عهد بسته ایم که:

از این مرقد صفا

از این دشت خارا

با عشق بی ریا

مشعل بدست□

سرود صلح بر زبان

با مارش سوی شهر

سوی ده

سوی خانهٔ هر هموطن

برای مادر میهن

با نوای وحدت وفاق

با سرود شاد اتفاق

لوای صلح می بریم

لوای صلح می بریم.